

دستورالعمل



دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشگاه شهید چمران اهواز
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد
بررسی فقهی پیوند، اهدا، خرید و فروش اعضای بدن
نگارنده: ناصر سواعدی پور

استاد راهنما: دکتر خسرو نشان
استاد مشاور: دکتر محمد حسین گنجی

تاریخ فارغ التحصیلی: ۸۹/۱۲

تقدیم به همه‌ی مؤمنانی که از آغاز خلقت تا کنون بر عرصه‌ی جهان پا نهادند. تقدیم به پیامبران، صدیقین، شهدا و صالحین. تقدیم به همه‌ی کسانی که در پیشرفت و تعالی کشور عزیزمان ایران سهم بوده و هستند. و تقدیم به همسر گرامیم که در پیشرفت کار این تحقیق با صبر و حوصله‌ی خویش نهایت همکاری و مساعدت را با اینجانب داشته است. و تقدیم به فرزند کوچولویم محمد رضا که بی‌نهایت دوستش دارم.

با تقدیم گرم‌ترین احترام‌ها و شایسته‌ترین سپاس‌ها به اساتید بزرگواری که با خوی و منش عظیم خویش نه تنها در زمینه‌ی آموزشی بلکه در عرصه‌ی پرورشی نیز تا ابد به بودن در کنار آن‌ها افتخار خواهیم کرد. و با تقدیم صمیمانه‌ترین سپاس‌ها به استاد بزرگوار دکتر خسرو نشان که راهنمایی‌ها و هدایت‌های ایشان لازمه‌ی انجام این کار بود. و با تشکر از مشاور گرامی دکتر محمد حسین گنجی که مشاوره‌ی ایشان سعادت‌ی بود که نصیبم شد.

نام خانوادگی: سواعدی پور	نام: ناصر
عنوان: بررسی فقهی پیوند، اهدا، خرید و فروش اعضای بدن	
استاد راهنما: دکتر خسرو نشان	استاد مشاور: دکتر محمد حسین گنجی
درجه‌ی تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته و گرایش: الهیات، فقه و مبانی حقوق اسلامی
محل تحصیل: دانشگاه شهید چمران اهواز	دانشکده: الهیات و معارف اسلامی
تاریخ فارغ التحصیلی: اسفند ماه ۱۳۸۹	تعداد صفحات: ۱۷۴
کلید واژه: فقه، پزشکی، اهدا، خرید، فروش، پیوند اعضا، مرگ مغزی،	
<p>چکیده</p> <p>فقه‌های اسلام از دیر باز به دلیل پیشرفت تدریجی و سریع علوم مختلف با پرسش‌های جدید گوناگونی مواجه بوده و هستند. در زمان حاضر نیز پرسش‌های فراوانی به وجود آمده‌اند. معاصران از اهل علم در حوزه‌های علوم دینی و دانشگاه‌ها در هریک از این امور تحقیقات و مطالعات فراوانی انجام داده‌اند.</p> <p>یکی از مسائل مستحدثه در دانش فقه مسئله پیوند اعضای بدن است. این مسئله‌ی پزشکی دارای ابعاد فقهی و حقوقی گسترده‌ای است. تهیّهی عضو برای پیوند مستلزم قطع آن از فرد زنده، جسد و یا فرد مبتلا به مرگ مغزی است. هم‌چنین عمل اعطای عضو رابطه‌ای بین دهنده، گیرنده و پزشک را موجب می‌شود. مسائلی مانند رضایت یا عدم رضایت دهنده، اولیا و تأثیر یا عدم تأثیر وصیّت به اعطای عضو پس از مرگ نیز مطرح می‌شود. فقه باید نظر صریح خود را پیرامون این مسائل بیان کند. نوشته‌ی حاضر مسائل فوق را از جنبه‌ی فقهی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهد.</p>	

۱	مقدمه.....	۱
۳	بخش اوّل : کلیات	۳
۳	فصل اوّل : بیان مسئله	۳
۶	فصل دوم : تاریخچه‌ی پیوند اعضا	۶
۶	گفتار اول: تاریخچه‌ی پزشکی.....	۶
۹	گفتار دوم : تاریخچه‌ی فقهی حقوقی.....	۹
۱۱	فصل سوم : ضرورت، اهداف و اهمیت بررسی فقهی پیوند اعضا	۱۱
۱۵	بخش دوم : اقسام پیوند اعضا	۱۵
۱۷	فصل اوّل : استفاده از اعضای مصنوعی	۱۷
۲۳	فصل دوم : استفاده از اعضای حیوان	۲۳
۲۸	بخش سوّم : استفاده از اعضای انسان زنده	۲۸
۲۸	فصل اوّل : پیوند از انسان به خودش	۲۸
۲۹	گفتار اوّل : نجاست عضو.....	۲۹
۳۲	گفتار دوم : وجوب دفن میتة.....	۳۲
۳۳	گفتار سوم: مانعیّت به سبب حرام گوشت بودن.....	۳۳
۳۵	فصل دوم : پیوند اعضای انسان زنده به انسان دیگر	۳۵
۳۵	گفتار اوّل : ادله‌ی حرمت.....	۳۵
۵۷	گفتار دوم : ادله‌ی جواز.....	۵۷
۶۳	بخش چهارم : استفاده از اعضای انسان مرده	۶۳
۶۴	فصل اوّل : برداشت عضو از جسد	۶۴
۷۰	فصل دوم : برداشت عضو از متوفای مغزی	۷۰
۷۱	گفتار اول: تعریف و اهمیت تشخیص مرگ مغزی.....	۷۱
۷۵	گفتار دوم: مرگ مغزی از دیدگاه پزشکی.....	۷۵
۷۹	گفتار سوّم: مرگ مغزی از دیدگاه فقه.....	۷۹
۸۷	بخش پنجم: استفاده از جنین سقط شده و بقایای زایمان	۸۷

۹۰	بخش ششم : استفاده از سلول های بنیادی و شبیه سازی اعضای بدن
۹۲	فصل اول : شبیه سازی و انواع آن
۹۷	فصل دوم : شبیه سازی از دیدگاه فقه و حقوق
۱۰۱	بخش هفتم: احکام پیوند اعضا
۱۰۲	فصل اول: خرید و فروش اعضای بدن
۱۰۳	گفتار اول : تعریف بیع
۱۰۵	گفتار دوم: مبیع و شرایط آن
۱۰۷	گفتار سوم: آیا اعضای بدن می توانند مبیع واقع شوند؟
۱۱۵	فصل دوم : وصیت به قطع و واگذاری اعضای بدن پس از مرگ
۱۲۱	فصل سوم : اجازة ی اولیا در قطع و واگذاری اعضای متوفی
۱۲۵	بخش هشتم: پیوند اندام های تناسلی
۱۲۶	فصل اول: پیوند اندام های تناسلی ناقل صفات وراثتی
۱۲۶	گفتار اول : پیوند تخمدان
۱۲۷	گفتار دوم : پیوند بیضه
۱۲۹	فصل دوم: پیوند اعضای تناسلی غیر مؤثر در انتقال صفات وراثتی
۱۳۰	بخش نهم: نتیجه گیری
۱۳۳	بخش دهم: استفتائات
۱۳۳	حضرت امام خمینی (ره)
۱۳۴	حضرت آیت الله العظمی خامنه ای
۱۳۸	حضرت آیت الله العظمی محمد فاضل لنکرانی
۱۴۱	حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی
۱۴۸	حضرت آیت الله العظمی مظاهری
۱۵۰	حضرت آیت الله العظمی محمد صادق روحانی
۱۵۱	حضرت آیت الله العظمی حاج سید علی سیستانی
۱۵۳	حضرت آیت الله العظمی سید یوسف تبریزی
۱۵۵	منابع و مأخذ
۱۶۴	چکیده ی انگلیسی

مقدمه

انسان به حکم فطرت و نیاز همواره به دنبال شناخت محیط پیرامون خویش بوده است. جسم و جان خود انسان نیز از فعالیت‌های کاوشگرانه‌ی ذهن مستثنی نبوده، بلکه در قلمرو شناسایی آن قرار گرفته است. هستی، چیستی، آفرینش، حیات و مرگ پرسش‌های فراوانی برای ذهن انسان به همراه داشته است. گویی انسان مجبور و موظف به شناسایی است. نیازهای فراوان انسان برای رفع موانع طبیعی، تلاش برای تسلط بر طبیعت، حس کنجکاوی او و فعالیتش برای شناسایی آنچه پیرامون اوست، باعث شد که زندگی او زیر و رو شود، ناهمواری‌ها هموار گردد، به دست نیافتنی‌ها دست یابد و موانع را یکی پس از دیگری از پیش روی خود بردارد. به واسطه‌ی همین عوامل است که علوم یکی پس از دیگری شکل گرفت، گسترش یافت و در نهایت یک زندگی عالمانه را برای انسان به ارمغان آورد. یکی از دانش‌هایی که خدمات ارزنده‌ای را تقدیم بشریت نمود علم پزشکی است. پزشکی نوین از مهم‌ترین عوامل زندگی مرفه کنونی است که با شناخت زوایای جسم انسان و عوامل نیک و بد مؤثر بر آن توانست بر یکی از بزرگ‌ترین موانع آسایش انسان یعنی بیماری، معلولیت و نقص عضو فایق آید و بسیاری از آرزوهای دیرین انسان را جامه‌ی عمل بپوشاند.

از آن جا که آسایش و تعالی جسم و جان انسان باید در کنار هم تأمین شود تا سعادت واقعی انسان محقق گردد بنابراین حاکمیت دستورات الهی بر تمامی عرصه‌های زندگی انسان ضروری و اجتناب ناپذیر است. در جوامع دین‌مدار، علوم دینی در کنار علوم دیگر با اعمال نظارت و کنترل در تعالی و پیشرفت آن‌ها سهیم بوده از لغزش انسان‌ها جلوگیری کرده و جامعه را از انحطاط بازداشته است.

یکی از عرصه‌های کاوش انسان، سلامت است. این کاوش‌ها منجر به گسترش سریع علم پزشکی شد. این علم در روند تکاملی خود آرزوهای فراوانی را برای انسان محقق ساخت. دستیابی به یک عضو سالم پس از معلولیت و نقص، آرزوی پیشینیان ما بود که در عصر ما تحقق یافت و به یک فعالیت روزمره‌ی پزشکی تبدیل شد.

پیوند درمانی یا پیوند اعضا یکی از روش‌های نوین پزشکی در درمان بیماری‌های لاعلاج است. که در سایه‌ی پیشرفت دانش پزشکی امروزه در بسیاری از نقاط جهان به سادگی انجام می‌شود. پیوند قلب، کلیه، کبد، مغز استخوان و تزریق خون از امور روزمره‌ی پزشکی به شمار می‌رود.

مسئله‌ی پیوند اعضای بدن از دو جنبه‌ی پزشکی و فقهی قابل بررسی است. دانش پزشکی احتمالات عملی پیوند اعضا، چگونگی برداشت اعضا و پیوند آن‌ها و موفقیت یا عدم موفقیت پیوند را بررسی می‌کند. و فقه با توجه به رابطه‌ی نزدیکی که با زندگی ما دارد ناگزیر باید نظر خود را پیرامون پیوند اعضا، لوازم و پیامدهای آن اعلام کند. فقه باید احکام شرعی پیوند اعضا را با توجه به راه‌های تأمین اعضا، طهارت یا نجاست عضو پیوندی، رابطه‌ی مالی دهنده و گیرنده‌ی عضو و... مشخص سازد. نوشته‌ی حاضر ضمن مشخص کردن احتمالات عملی پیوند اعضا، احکام مترتب بر اصل آن‌ها و مسائل عارضی ناشی از آن‌ها را از منظر نصوص و ادله‌ی شرعی مورد بررسی قرار می‌دهد. بررسی و طبقه‌بندی مشکلات شرعی، قانونی و حقوقی پیوند اعضا و پیدا کردن راه‌های مناسب برای رفع آن‌ها هدف عمده‌ی پایان‌نامه است.

بخش اول: کلیات

فصل اول: بیان مسئله :

پیوند اعضا یکی از موضوعات اساسی مورد مطالعه در فقه پزشکی است که به واسطه‌ی گسترش فن‌آوری‌های نوین دانش پزشکی، منجر به تحولات گسترده‌ای در فقه و خصوصاً فقه پزشکی گردیده است. جلوه‌های نخستین این پدیده در گذشته‌های بسیار دور مربوط به پیوند دوباره‌ی انگشتان قطع شده است که در محدوده‌ی طب سنتی قرار می‌گرفت. اما در سال‌های اخیر پیوند اعضا به صورت یک عملیات کاملاً پیچیده و علمی درآمده است که با بهره‌گیری از امکانات نوین پزشکی موفقیت‌های شگفت‌انگیزی در این زمینه حاصل شده است. پیوند اعضا یا پیوند درمانی یکی از جدیدترین شیوه‌های درمانی است که برای معالجه‌ی بیماران لاعلاج و درمان‌ناپذیر کاربرد یافته است. بیماران که به واسطه‌ی ابتلا به بیماری‌هایی نظیر نارسایی کلیه، قلب، کبد راه درمانی دیگری جز پیوند عضو از فرد سالم به جای عضو ناسالم خود ندارند.

گذشته از این که پیوند اعضا از مسائل نوظهور عرصه‌ی پزشکی است. در عرصه‌ی فقهی نیز از مسائل مستحدثه است که فقهای گذشته با آن مواجه نبوده‌اند. اما در عصر حاضر این موضوع از جنبه‌های مختلفی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است در نگاه نخست. این موضوع ممکن است یک مسئله‌ی کاملاً پزشکی به نظر برسد، اما با یک نگاه دقیق‌تر ابعاد دیگر آن ظاهر می‌شود. پیوند اعضا همان گونه که یک امر پزشکی به شمار می‌آید یک امر فقهی و حقوقی نیز است. بنابراین توضیح و تبیین جوانب و ابعاد فقهی آن امری ضروری است و نسبت به عملیات پزشکی اولویت دارد. تأمین اعضا جهت پیوند، احکام وضعی مترتب بر این اعضا و قطع و پیوند مجدد آنها، دارای ابعاد اجتماعی، فرهنگی، عاطفی، فقهی و حقوقی فراوانی است. موضوع پیوند اعضا مسائل فقهی فراوانی را به دنبال دارد که باید به دقت شناسایی و طرح شوند. و با یک جستجو و بررسی عمیق در نصوص، ادله و اصول کلی پاسخ داده شوند. این موضوع از یک سو نجات جان انسانی را به همراه دارد اما از سوی دیگر موجب تصرف در جسم انسانی

دیگر و گاه وارد آمدن ضرر به وی می‌شود، در صورتی که اضرار به نفس یا به دیگری حرام است. گاهی هم لازمه‌ی آن قطع اندام مرده است که حرمت این عمل به شدت مورد تأکید است. هم‌چنین در پیوند اعضا غیر از بیمار و افراد متخصص که عمل پیوند را انجام می‌دهند، افراد دیگری نظیر دهنده‌ی عضو و اولیای او وجود دارند که در این میان، بین آن‌ها روابط خاصی ایجاد می‌شود که باید از لحاظ فقهی و حقوقی این رابطه به وضوح تبیین شود. و بسیاری از اشکالات دیگر که در این نوشته طرح و مورد کنکاش واقع می‌شود. در باره‌ی موضوع مورد بحث این پرسش‌ها را می‌توان مطرح ساخت:

- ۱- قطع عضو از فرد زنده و مرده چه حکمی دارد؟
- ۲- قطع اعضای مرده با اجازه‌ی چه کسی جایز است؟
- ۳- آیا وصیت به واگذاری اعضا پس از مرگ جایز است؟
- ۴- معیار تشخیص مرگ چیست؟
- ۵- آیا متوفای مغزی از نظر فقهی مرده به شمار می‌رود؟
- ۶- خرید و فروش اعضای بدن چه حکمی دارد؟
- ۷- آیا گرفتن عضو به عنائینی غیر از بیع جایز است؟
- ۸- حکم وضعی پیوند (طهارت و نجاست اعضا) چیست؟
- ۹- پیوند عضو از مسلمان به کافر چه حکمی دارد؟
- ۱۰- حکم پیوند اعضای تناسلی چیست؟
- ۱۱- شبیه‌سازی جهت تولید اعضای بدن چه حکمی دارد؟
- ۱۲- آیا استفاده از اعضای بدن جنین سقط شده برای پیوند جایز است؟
- ۱۳- آیا پیوند عضو حیوان به انسان جایز است؟ حکم وضعی آن چیست؟
- ۱۴- آیا قطع عضو میّت مسلمان برای پیوند زدن، دیه دارد؟ این دیه را چه کسی پرداخت می‌کند و چه کسی آن را دریافت می‌کند؟

هم‌چنین فرضیه‌های بسیاری نیز در مورد مسئله‌ی پیوند مطرح است از جمله:

- ۱- تصرف انسان زنده در اعضای بدن خویش در محدوده‌ی عقل و شرع جایز است.
- ۲- استفاده از اعضای مردگان برای پیوند و نجات نفس محترم جایز است.
- ۳- برداشت عضو از بدن مرده نیازی به اذن و اجازه‌ی قبلی او ندارد.
- ۴- انسان این حق را دارد که نسبت به اذن برداشت اعضای بدن خویش پس از مرگ وصیت نماید.
- ۵- از لحاظ فقهی مرگ مغزی در حکم مرگ قطعی است.
- ۶- استفاده از اعضای حیوان حلال گوشت برای پیوند به انسان مطلقاً جایز است.
- ۷- استفاده از اعضای حیوان نجس العین و حیوان حرام گوشت تنها در صورت وجود ضرورت جایز است.
- ۸- استفاده از اعضای مصنوعی مطلقاً جایز است.
- ۹- استفاده از طلا برای ساخت اعضای مصنوعی مانند دندان و... جایز است.
- ۱۰- خرید و فروش اعضای بدن جایز نیست.

فصل دوم: تاریخچه پیوند اعضا

گفتار اول: تاریخچه پزشکی

قرن حاضر شاهد پیشرفت‌های فراوانی در تمامی عرصه‌های علمی بوده است. در این میان پیشرفت علم پزشکی چشمگیر بوده و از اهمیت بسیاری برخوردار است. شاید در زمان‌های بسیار دور جایگزینی و پیوند عضو از کار افتاده افسانه‌ای بیش نبود که تنها در قصه‌ها، ساختن مجسمه، نقاشی روی در و دیوار و پرچم کاربرد داشته است. کسی فکر نمی‌کرد زمانی فرا برسد که این مهم به امری ساده و عادی بدل شود. اما به هر حال امر پیوند اعضا دور از ذهن پیشینیان نبوده است. چرا که همین نقش‌ها، مجسمه‌ها و دیگر آثار تاریخی به جا مانده از آن دوران‌ها حاکی از آن است که گذشتگان در اندیشه‌ی جایگزینی و پیوند اعضای از کار افتاده‌ی خود بوده‌اند.

در قرن دوم قبل از میلاد جراحان چینی به نام‌های هوآتو^۱ و پیاجیزو^۲ فرضیه‌ی پیوند برخی از اعضا را ارائه دادند. که به علت نبودن شرایط جراحی به یک افسانه شباهت داشت تا واقعیت. به تدریج این فرضیه در سال‌های بعد به واقعیت تبدیل شد. ساده‌ترین نمونه برای مسئله‌ی پیوند، پیوند دندان بوده است که توسط گذشتگان انجام می‌شد. حفاری‌ها و اکتشافات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که مصریان قدیم با پیوند دندان آشنایی داشته‌اند. سپس یونانی‌ها و رومیان آن را از مصریان آموختند. هم‌چنین این آثار باستانی نشان می‌دهد که ساکنان قاره‌ی آمریکا پیش از اروپایی‌ها با کاشت دندان آشنا بوده‌اند. مسلمانان نیز کاشت دندان را در قرن دهم میلادی برابر قرن چهارم هجری آموختند.^۳ از دیگر مواردی که شاید به عنوان نمونه‌ای از پیوند اعضا در نزد مسلمانان به شمار آید جریانی نقل شده است که در زیر می‌آید:

^۱ - Huato

^۲ - Piachiso

^۳ - البار، محمد علی، انتفاع الانسان باعضاء انسان آخر حياً و میتاً، مجله‌ی مجمع الفقه الاسلامی، سال ۴، شماره ۱، ص ۸۹-۱۱۷

در برخی کتاب‌ها آمده است که شخصی به نام قتاده در جنگ بدر از ناحیه‌ی چشم مجروح می‌شود به گونه‌ای که چشمش از حدقه بیرون می‌آید. قتاده چشمش را در کف دستش گرفته نزد پیامبر می‌برد. پیامبر آن را بر می‌دارند و در جای خود قرار می‌دهند. آن چشم شفا یافته بینایی دوباره می‌یابد.^۱ البته این جریان اگر حقیقتاً به همین شکل منقول صورت گرفته است، نمی‌تواند به عنوان پیوند به معنای پزشکی آن به شمار آید، بلکه از معجزات الهی است. چرا که یک عمل جراحی پزشکی به معنای واقعی صورت نگرفته است. اما چنانچه وقوع آن قطعی و یقینی باشد دلیل محکمی برای جواز پیوند می‌باشد.

در قرن شانزدهم نیز جهان شاهد پیشرفت‌هایی در زمینه‌ی پیوند اعضا بوده و پیوندهای ساده‌ای نظیر پیوند قطعات پوستی در این قرن صورت گرفت. البته پیوند اعضا فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. و اعمال جراحی پیوند با شکست‌های بسیاری مواجه بوده است. این شکست‌های پی‌درپی پزشکان را متوجه مسئله‌ای به نام پراندن یا پس زدن عضو پیوندی ساخت. «پدیده‌ی پراندن عبارت است از واکنش مصونیت شناسی است که در خلال آن، عضو پیوندی فعالیت پادگنی از خود نشان می‌دهد و این فعالیت موجب ساخته شدن پادگن‌ها از سوی گیرنده‌ی عضو پیوندی با هدف از میان بردن نسج بیگانه یعنی عضو پیوندی می‌شود.»^۲ شناسایی این پدیده باعث کشف و ابداع روش‌هایی برای رفع آن شد. از آن به بعد بود که پیوند درمانی به صورتی جدی وارد عرصه‌ی پزشکی شد. و روز به روز بر موفقیت‌های پزشکان در این زمینه افزوده می‌شد. آغاز واقعی پیوند اعضا حدود چهل سال پیش بود. در سال ۱۹۵۴ در آمریکا پیوند کلیه در یک زوج دوقلو که از یک تخم به وجود آمده بودند با موفقیت انجام شد. چهارده سال بعد یعنی در سال ۱۹۶۸ نخستین پیوند قلب توسط پرفسور کریستین برنارد در آفریقای

۲- قطب الدین الراوندی، الخرائج و الجرائح، ۳ جلد، ناشر مؤسسه الامام المهدی (ع)، ج ۱، ص ۴۳

۲ - حبیبی حسین، مرگ مغزی و پیوند اعضا از دیدگاه فقه و حقوق، ۱ جلد، چاپ اول، ناشر بوستان کتاب قم، چاپخانه‌ی دفتر

تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۸۰ش، ص ۷۴ پاورقی

جنوبی با موفقیت انجام شد.^۱ البته یک سال قبل از آن نیز نخستین عمل پیوند قلب توسط همین پزشک انجام گرفته بود که با شکست مواجه شد. به این ترتیب پیوند اعضا از عملیات ساده‌ی پیوند قطعات پوستی تجاوز کرد و به حساس‌ترین اندام‌های تن آدمی رسید.

در ایران نیز هزینه‌های هنگفت همودیالیز مقامات بهداشتی کشور را برآن داشت تا تلاش را برای راه‌اندازی مراکز پیوند اعضا آغاز کنند.

اولین پیوند کلیه در ایران در سال ۱۳۴۷ در شیراز و نخستین پیوند مغز استخوان در سال ۱۳۶۹ در بیمارستان دکتر شریعتی تهران انجام شد.^۲ با کسب این موفقیت‌ها از سوی پزشکان ایرانی پیوند اعضا به عنوان یکی از روش‌های مهم در درمان بسیاری از بیماری‌ها به جامعه معرفی شد. امروزه امکانات پزشکی مراکز پیوند اعضا در ایران کم‌تر از دیگر مراکز پیشرفته‌ی جهان نیست.

۱ - عباسی، محمود، پیوند اعضا، چاپ اول، سال ۱۳۸۲ش، ناشر انتشارات حقوقی، چاپ نقش هزار رنگ، ص ۷

۲ - همان، ص ۳۰

گفتار دوم: تاریخچه‌ی فقهی و حقوقی

مراجعه به آثار و اطلاع از نظر فقهای قدیم در یک مسئله‌ی فقهی مهم‌ترین ابزار و لوازم یک تحقیق فقهی است. اما پیوند اعضا به شکل کنونی آن از مسائل مربوط به عصر ماست که از قوه‌ی تخیل و تصور فقهای پیشین به کلی خارج بوده است. تنها برخی از مسائل مربوط به پیوند، هم‌چون خرید و فروش خون و پیوند عضو مقطوع در مسئله‌ی قصاص - که از مصادیق بارز پیوند اعضاست - را در آثار فقهی قدیم می‌توان یافت. خرید و فروش خون در کتاب‌های فقهی فراوانی نظیر نه‌ایة الاحکام علامه‌ی حلی، مستند الشیعه محقق نراقی، جواهر الکلام جواهری، مکاسب شیخ انصاری و بسیاری از کتاب‌های فقهی معتبر دیگر مطرح بوده است. هم‌چنین پیوند عضو مقطوع در قصاص نیز در کتاب‌های فقهای قدیم مورد بحث قرار گرفته است. شیخ طوسی در الخلاف می‌فرماید: اگر کسی گوش دیگری را قطع کند و پس از قصاص جانی گوش خود را پیوند بزند، مجنی علیه می‌تواند قطع مجدد آن را مطالبه کند.^۱

ابن ادریس حلی نیز در کتاب السرائر می‌فرماید: اگر کسی نرهمی گوش دیگری را برد سپس جانی یا مجنی علیه گوشش را پیوند بزند باید آن را قطع کرد.^۲

در زمینه‌ی حقوقی نیز، به دنبال پیشرفت و کسب موفقیت‌های فراوان در امر پیوند اعضا و تبدیل این روش به یکی از مطمئن‌ترین روش‌های درمانی لزوم وجود قوانین خاص آن امری ضروری به نظر می‌رسید. به همین منظور همه‌ی کشورهایایی که به نوعی با امر پیوند درگیر شده‌اند بلافاصله این نیاز را احساس و در جهت تأمین آن اقدام کرده‌اند.

^۱ - شیخ الطائفه ابی جعفر محمد ابن الحسن طوسی، الخلاف چاپ جدید، تحقیق سید علی خراسانی، سید جواد شهرستانی و

شیخ محمد مهدی نجف، ۶ جلد، مؤسسه‌ی نشر اسلامی قم، ج ۵، ص ۲۰۱

^۲ - ابن ادریس حلی، السرائر، ۳ جلد، چاپ دوم، سال ۱۴۱۱ق، چاپ و نشر مؤسسه‌ی نشر اسلامی قم، جلد ۳، ص ۴۰۵

تا سال ۱۹۵۲ در هیچ جای جهان، هیچ قانون مدوتی وجود نداشت که استفاده از هیچ بخشی از جسد انسان را برای اهداف درمانی پیش‌بینی نماید. در این سال قانون پیوند قرنیه وضع شد. این قانون، تجویز برداشتن چشم‌های اجساد را به نحوی که برای اهداف درمانی قابل استفاده باشند پیش‌بینی کرد.^۱

در آمریکا در سال ۱۹۶۰ کنفرانس ملی مأموران اجرایی قوانین ایالتی شروع به تنظیم قوانین اهدای اعضای بدن نمودند. و سرانجام در سال ۱۹۶۸ این کنفرانس ماده‌ی واحده‌ی اهدای اعضا را تصویب کرد.^۲

در انگلستان، مجارستان، آلمان و بسیاری از کشورهای اروپایی پیوند اعضا به عنوان یک اصل حقوقی شناخته شده است. کشورهای نروژ، سوئد و لوکزامبورگ نیز ضمن مشروع دانستن امر پیوند، قوانین مربوط به آن را به ترتیب در سال‌های ۱۹۷۳، ۱۹۷۵، ۱۹۸۲ تصویب کردند. در کشورهای اسلامی نیز در مصر در سال ۱۹۷۷ جواز امر پیوند از سوی حقوقدانان و دانشمندان دانشگاه الازهر مصر مشروعیت یافت. قانون مصوب سال ۱۹۷۲ سوریه روش کلی پیوند اعضا را مجاز دانسته است. در عربستان، کویت و اردن به ترتیب در سال‌های ۱۹۷۲، ۱۹۸۱، ۱۹۷۷ پیوند اعضا مشروعیت یافته قوانین مربوط به آن تصویب شد.^۳

در جمهوری اسلامی ایران قانون پیوند اعضا در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۷ تحت عنوان قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است، به تصویب رسید.

^۱ - پروفیسور دی. جی. اسکچ، حقوق اخلاق و پزشکی، ترجمه‌ی محمود عباسی و بهرام مشایخی، ۱ جلد، چاپ و صحافی

پژمان، چاپ دوم پاییز ۱۳۸۱، انتشارات حقوقی، ص ۱۹۹

^۲ - محمود عباسی، پیوند اعضا، ص ۱۸

^۳ - همان، ص ۱۹

فصل سوم: ضرورت، اهداف و اهمیت بررسی فقهی پیوند اعضا

انسان‌ها در برابر حفظ حیات خود و دیگران مسئول‌اند. آیات و روایت به صراحت انسان را موظف به حفظ حیات خود و دیگران کرده‌اند. تا جایی که حتی عبادات مهمی همچون نماز، روزه، حج و ... را تحت تأثیر قرار داده و ترک برخی از آن‌ها جهت حفظ حیات از سوی شارع واجب شده است. مانند این روایت از امام صادق (ع) که می‌فرماید: «کل من اضره الصوم فالافطار علیه واجب»^۱

بر هر کسی که روزه به آن ضرر برساند افطار واجب است.

از سویی دیگر حتی گاهی ارتکاب گناه بزرگی همچون دروغ برای حفظ جان خود و دیگری جایز شمرده شده است.

انسان در طول تاریخ با مطالعه، تحقیق و بررسی در محیط پیرامون خویش و نوآوری، ابتکار و اختراعاتی که در راستای این تکاپوی علمی به ثبت رسانده فقط و فقط سعی در حفظ حیات و بهبود زندگی خود داشته است.

گسترش دانش پزشکی و پیدایش روش‌های نوین برای کنترل و درمان بیماری‌های مهلکی که حیات انسان‌ها را به صورت جدی تهدید می‌کند گامی بزرگ در جهت حفظ حیاتی است که این همه مورد تأکید آیین‌های الهی است. اما از سوی دیگر این پیشرفت‌های سریع پزشکی پرسش‌های مهمی را پیش روی فقه قرار داده است که باید متناسب با زمان، مکان و سرعت این پیشرفت‌ها به آن‌ها پاسخ داده شود.

در این میان نو بودن موضوع پیوند اعضا، و تعدد موضوعات فرعی آن باعث شده است مشکلات حقوقی و خلاءهای قانونی فراوانی بروز کند. رفع ابهامات شرعی موجود که وظیفه‌ی دانش فقه است، کمک شایانی به تدوین قانونی کامل و جامع خواهد کرد. از

^۱ - حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه، محقق عبدالکریم ربانی شیرازی، ۲۰ جلد، بی تا، ناشر دار احیاء التراث العربی،

بیروت، ج ۷، ص ۱۵۶، حدیث ۲

سوی دیگر پویایی فقه و لزوم حرکتی همگام با قافله‌ی دانش ایجاب می‌کند هیچ پرسشی در این زمینه‌ها از جمله پیوند اعضا بی‌پاسخ نماند. پیوند درمانی دارای ابهامات فراوانی است که قطعاً با تلاش مستمر و مراجعه دقیق به نصوص، ادله و اصول فقهی قابل حل است.

با در نظر گرفتن پیشرفت‌های سریع علمی جهان توجه به عنصر زمان می‌تواند مشکلات فقهی موجود در این زمینه را رفع کند. همان گونه که حضرت امام خمینی (ره) در صحیفه‌ی نور توجه به دو عنصر زمان و مکان را امری ضروری برای اجتهاد ذکر کرده و فرموده‌اند:

« زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند . مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد در یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند . بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد.»^۱

پیشرفت سریع علوم مختلف باعث ایجاد و کشف جوانب مثبت بسیاری در خیلی از پدیده‌های شده است که قبلاً فقط جوانب و آثار منفی آن‌ها شناخته شده بود.

بنابراین تحولات نظام زندگی و پیشرفت‌های علمی و صنعتی می‌توانند کارکردهای اجتماعی موضوعات طبیعی را متحول سازند و در نتیجه‌ی این تحولات ممکن است نقش و کارکردی که یک عنصر طبیعی در نظام بشر دارد، دگرگون شود و چون حکم سابق این عنصر طبیعی در ارتباط با کارکرد سابق آن بوده است، با به دست آوردن کارکردهای مثبت و مؤثر جدید، حکم فقهی سابق نیز متحول شده و حکم فقهی مناسب با کارکرد مفید بعدی را پیدا خواهد کرد.^۲

۱ - روح الله موسوی خمینی، صحیفه‌ی نور، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، سال ۱۳۳۸ش، ج ۲۱، ص ۹۸

۲ - تقوی، سید مرتضی، مقاله‌ی تحول موضوعات در فقه، مجله‌ی فقه اهل البیت (ع)، سال اول، شماره‌ی ۳، ص ۲۰۷ - ۲۲۰

نمونه‌ی بارز این مسائل حکم خرید و فروش خون است. چون در گذشته برای خون جز خوردن آن و رنگ‌آمیزی فایده‌ی دیگری برای فقها قابل تصور نبود و خوردن خون نیز حرام است. بنابراین با تعلیل عدم وجود منفعت حلال و حرمت نفع متصور که همان خوردن است فتوی به حرمت خرید و فروش خون داده‌اند. اما در زمان کنونی، خون و فرآورده‌های خونی از ضروریات مراکز پزشکی است. تزریق خون برای بیماران نیازمند یک امر حیاتی است. نمونه‌ی دیگر این مسائل قطع اعضا و تشریح بدن مرده است که در گذشته چند دلیل برای انجام این کار مورد تصور بوده است؛ یا حکم مثله را داشته که حرام است، یا جهت خارج ساختن نوزاد زنده از شکم مادر مرده و یا جهت خارج ساختن مال قابل توجه از شکم مرده بوده است. و تصور قطع عضو یا تشریح بدن مرده‌ای برای کشف علت مرگ، یا کشف حقایق ارزشمند پزشکی که قادر است نسل بشر را از خطر خیلی از بیماری‌های مرگبار برهاند و یا برای زندگی بخشیدن به انسان دیگری که حیاتش به صورتی جدی در گرو این عمل است، کاملاً دور از ذهن بوده است. آیا اکنون که پیشرفت علم، منافع فراوانی را برای خون، تشریح جسد، قطع و پیوند اعضا یافته است، استدلال‌های گذشته برای تحریم این‌گونه اعمال کافی و قانع‌کننده است یا باید با سیر در ادله و نصوص غنی شرعی به دنبال رأی واقعی شارع مقدس در این باره باشیم. رأیی که بی‌شک به دور از محافظه‌کاری‌ها و احتیاط‌های غیرلازم و یا بی‌مبالاتی‌ها است. این همان فقه پویاست. فقهی که در افقی باز در میان ادله و نصوص شرعی در پی یافتن درمان درد و تأمین نیاز جامعه، در حرکت است. موضوعات نوین را به عنوان نیاز جامعه بپذیرد به سوی ادله، اصول و قواعد شرعی برود حکم آن‌ها را استخراج نماید و در اختیار جامعه قرار دهد. فقه پزشکی ما با الهام از فقه پویای شیعه توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای بشر را دارد. فقه ما قادر به پاسخ‌گویی به مسائل و چالش‌هایی است که در این حوزه ارائه می‌شود. برای فائق آمدن بر مشکلات امروز جامعه، فقیه، فیلسوف، پزشک، حقوقدان و دانشمندان علوم دیگر باید در کنار یک‌دیگر باشند تا مشکلات را حل کنند.